

اول مه روز نمایش بلند پروازی و ارزشهای طبقه کارگر است

انسانیت را نمیتوان از آرزوهای او برای یک دنیای بهتر جدا کرد. احساس همدردی و همسرنوشتی در ورای تفرقه های ملی و مذهبی و نژادی، یک جوهره بدیهی انسانیت به شمار رفته است.

برای طبقه کارگر، انسانهایی که خود کوله باری از تبعیض و نابرابری و تحقیر را بر گرده خود حمل میکنند، و از نشانه های انتقال سرنوشتی مشابه به نسل بعدی زخمی عمیق تر بر قلبشان مینشینند، دنیایی بهتر نه یک آرزو بلکه یک خواست مشترک فوری نیز هست. عزم، اراده، هم سرنوشتی و تلاش برای دستیابی به چنین خواستی دست میلیونها انسان را در سراسر دنیا در دست هم قرار میدهد. اول مه سمبل آرزوهای مشترک انسانهای سراسر جهان علیه بنیادهای نظامی است که نگویند جنگ و فقر و تحقیر را با قربانیانی از برادران و خواهران خود آنها در مقابل چشمانشان قرار داده است.

طبقه کارگر و آرمانهای انسانی و برابری طلبی اش

همواره مورد حمله طبقات دارا و دولتها و مدیای نوکر بورژوازی و سرمایه قرار گرفته است. سکوت در باره شرایط زندگی و تعرض وحشیانه به سطح معیشت نقاط جهان در روز کارگر اما نغمه اکارگران و خانواده هایشان و کل اقشار تهیدست و فرودست جامعه یک توطئه دیگر این غاصبان ثروت جامعه و محروم کردن این اکثریت از رفاه و آزادی و خوشبختی است. اجتماع کارگران در شهرهای بزرگ اقصدی مشترک علیه این

صفحه ۲

هفته منصور حکمت

در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پر بار

صفحه ۴



asad.golchini@ukonline.co.uk

قرارداد موقت کار، مصاف بزرگ طبقه کارگر

قرارداد موقت کار یا در واقع به بردگی کشاندن کارگران، در بی طبقه کارگری است که مناسبترین شرایط برای بیشترین سود دهی را داشته و در بی حقوقی مطلق و پراکندگی، خاموشی و تهی از اعتراض رادیکال باشد. قرارداد موقت بهترین وسیله برای تازیدن و حمله بیشتر به معیشت طبقه کارگر و کل جامعه است. قرارداد موقت بهشت سرمایه داران را سرسبز تر کرده است و جهنم کارگران را سیاه تر. به این قانون کار جدید هم نباید تن داد، به این مصاف بزرگی است که طبقه کارگر و همه فعالین و رهبران اعتراض کارگران و جریانات و احزاب سوسیالیست و کارگری کمونیستی با آن مواجه اند.

اسد گلچینی

سرمایه داران و رژیم اسلامیشان، از طریق رواج قرارداد های موقت کار با آرامش خاطر و دست بازبورش به معیشت ناچیز کارگران را ادامه میدهند بطوری که در تعیین دستمزدها درمبلغ تعیین شده سال گذشته خود نیز تجدید نظر کرده اند. قرار داد موقت کار و جایگزینی آن با قرارداد استخدام ثابت و کارگر دارای مزایا، هدفی است که میخواهند آنرا به شکل اصلی رابطه کارگر و سرمایه دار تبدیل کنند. آیا طبقه کارگر ایران و مردم محروم و ستم دیده ای که حکم مرگ این رژیم و مصیبت هایش را هر روزه یادآور میشوند مجال این افسار گسیختگی را به اینها می دهند؟

موضوع قرارداد های موقت امری صرفا در چهارچوب بیکار کردن و اخراج نیست، چیزی که شرایط صرفا منحصر بفرود ایران نیست ولی در بسیاری کشورهای در برابر بیکاری کارگران و شروندان حداقل تامین معیشتی و امنیتی موجود است که بتوان با آن زندگی کرد. در ایران اینهم موجود نیست و قرارداد های موقت کار و سلب مسولیت قانون از کارگران هم اضافه میشود. تشکل

آزاد کارگران هم در صحنه نیست. قانون، پلیس، پاسدار، بسیجی و حوزه

صفحه ۲

کمونیست

مرکز کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۲۹ آوریل ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم کویان



azar.modaresi@gmail.com

بساط انتخاباتشان را جمع کنید انتخابات بعد از

آذر مدرسی

قول میدهد بعد از انتخاب شدن به هر ایرانی بالاتر از ۱۸ سال ماهانه ۶۰ دلار خواهد داد. از پائین آوردن قیمت سبزی و میوه تا لغو کنکور و عادی سازی روابط با آمریکا را میشود در برنامه های انتخاباتی کاندیداها دید.

دو ماه به مضحکه انتخابات باقی است و لیست کاندیداها را به تدریج اعلام میکنند. جناح راست لاریجانی را بعنوان کاندید معرفی کرد و بالاخره رفسنجانی اعلام کرد علیرغم میل خود کاندید است. لیستی از فرماندهان نظامی و مرتجعینی چون قالیباف، لاریجانی، رفسنجانی و کروبی و کاندید شده اند. یکی را "حلال مشکلات نظام" یا "مرد تصمیم ساز ایران" معرفی میکنند و دیگری

اما همه میدانند بخش اساسی این برنامه ها نه برای مقابله با کاندید های دیگر که برای گرم کردن بازار انتخابات است. بطور واقعی مبارزه انتخاباتی بین کاندیداها در صفحه ۳

ادعا نامه جهان متمدن علیه سنگسار آمینه در افغانستان!



mehrnousch@aol.com

مهرنوش موسوی

پلیس افغانستان در روز ۲۴ آپریل اعلام کرد که زنی ۲۹ ساله به نام آمینه در این کشور سنگسار شده است. آمینه در در روستای بدخشان، در غرب فیض آباد، در روز ۲۱ آپریل، به جرم رابطه خارج از ازدواج با حکم ملایی به اسم ملا

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قرار داد های موقت کار نه تنها بر معیشت کارگران و بی حقوقی مطلق آنها حاکم است، نه تنها قانون را از هر گونه حمایتی از کارگران منع کرده است بلکه تفرقه و پراکندگی را دامن میزند و فعالیت مشترک و همبستگی کارگری را بیش از پیش دشوار می کند. و در حالی که رژیم از ثبات برخوردار نیست و بحران کماکان سرتاپایش را در بر گرفته است این دیگر اساسا خفقان و استبداد نیست که دست و پای کارگران و رهبران آنها را سازمانداده اعتراض کارگر به این وضعیت را موجب شده است، بلکه تحمیل این شرایط کار و زندگی بی ثبات است که بزرگترین مانع است. کارگران امنیت شغلی ندارند و سرمایه داران از قبل این شرایط خود را بر آنها تحمیل میکنند. کارگر به ارزان ترین قیمت و با کمترین هزینه ای که سرمایه دار بپردازد به کار گرفته میشود و حاصل این رابطه و شرایط، سود بیشتر برای سرمایه داران است. در چنین شرایطی همه بیکارند و اکثریت دارای کار موقت هستند حتی در مراکز که خصلت کارشان موقتی

نیست! صرفا بخش کوچکی هستند که دارای شغل ثابت خواهند بود. این آینده ای است که سرمایه داران و رژیم ترسیم کرده اند. خواست عمومی طبقه کارگر مبنی بر استخدام ثابت کارگران و همبستگی کارگران حول آن قادر به توقف این افسارگسختگی است.

در حال حاضر امکان علنی اعتراض و تجمع منحصر به خانه کارگر و شوراهای اسلامی است، که تشکل های خود سیستم در میان کارگراند، و اینها قادرند با فریب و امید دانه های واهی، کارگرانی را دور خود جمع کنند. حضور اینها و کارکردشان از موانع جدی مبارزه کارگران است. خوشبختانه این نهاد های رژیم و عروسک های دست سرمایه داران، منفورند و کاملا از طرف فعالین معترض و رهبران شان شناخته شده اند. ایجاد قطب مخالف اینها و صفی که اتحاد و همبستگی کارگران را تامین کند می تواند این مصاف بزرگ را رهبری کند. این وظیفه ای است که بر دوش همه

کارگران معترض، فعالین و رهبران کارگری، کمونیستها و سوسیالیستهای رادیکال قرار دارد. فاکتور اوضاع سیاسی و تحرک فعالین کارگری و تشکل های موجود، می تواند این کارزار را در ابعادی سراسری و سازمانیافته مادیت بدهد. وجود قطبی متحد از کارگران و فعالین و رهبران آنها در جنبش کارگری که با خواست اساسی لغو قراردادهای موقت و برقراری استخدام دائم تداعی می شود روزنه امید است. این قطب کارگری با ارتباطات وسیع در بسیاری از مراکز کارگری و در بین کارگران بیکار در موثرترین مراکز تولیدی، می تواند به یک نیروی توده ای برای مقابله با سرمایه و رژیمش تبدیل شود.

اول ماه مه آغاز این مصاف طبقاتی

اول ماه مه ۸۴ از بسیاری لحاظ مهم است. نه تنها تشکل و سازمانیابی کارگران را می تواند گسترده تر کند و به اتحاد وسیعتر مراکز مختلف کار با هم و آشنایی

بدست بگیریم، آینده را بسازیم و آزادی و برابری را تأمین و تضمین کنیم.

اول ماه مه طبقه کارگر خواستار و مصمم به کنار زدن مسببین این وضعیت و گرفتن افقی روشن و انسانی از آینده ای بهتر جلو روی جامعه و شهروندان آن است.

زنده باد اول ماه

زنده باد سوسیالیسم

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ فروردین ۸۴ (۲۰ آوریل ۲۰۰۵)

وسعت جهان در تاریخی صد ساله جز با شغف نمیتواند مواجه گردد. این روز، علاوه بر نمایش همبستگی، روز جشن کارگران نیز هست.

اول ماه را جشن بگیریم که جشن زنده ماندن عمیق ترین و رادیکال ترین رگه ارزش انسانی در ۱۲۰ سال اخیر بوده است. اول ماه را فرصت و غنیمتی بدانیم که بگوییم با همبستگی خود، با نیروی متحد خود، آینده را خواهیم ساخت. اول ماه را بدست بگیریم که مهر آرمان خواهی و بلند پروازی را بر پیشانی حرکت های اعتراضی در هر کارخانه و محله بکوییم. اول ماه را بدست

آماج مخوف ترین سیستم سرکوب و بیحقوقی، آماج ارتجاعی ترین سیاستهای تبعیض و تحقیر و بیحقوقی محض قرار گرفته است. در مقابل، سرنوشت کارگران با دیگر اقشار اجتماعی، معلمان، پرستاران و کلیه حقوق بگیران جزو و اکثریت عظیم شهروندان گره خورده و یکی شده است. طبقه کارگر در اول ماه مصمم به دفاع از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و مدعی رهایی این اکثریت انسانی است.

اول ماه نمایش بلند پروازی و ارزشهای والای انسانی، و مشاهده آن به

های مذهبی تولید میکروب، دولت شوراهای اسلامی، خانه کارگر و میدیا یشان همه در خدمت اقلیتی ۱۰ درصدی، انگل مفت خور و استثمارکننده جامعه قرار دارند که بناست این مناسبات را برای سرمایه داران و رژیم تثبیت کنند. اینها ابعاد دهشتناکی است که به طبقه کارگر تحمیل میشود.

کل این وضعیت بر راه حل طبقه کارگر برای رهایی جامعه و برقراری برابری و آزادی تاکید میگذارد. جنبش طبقه کارگر، حزب، کمونیستها و رهبران رادیکال و سوسیالیست طبقه کارگر که نابودی این شرایط را امر خود قرار داده اند راه حل را دارند و این میتواند آن تفاوتی باشد که طبقه کارگر در ایران برای انتخاب دارد، وجود جنبش سرنگونی در ایران آن زمینه ای است که طبقه کارگر را بیش از پیش در این انتخاب یاری داده است.

افسارگسیختگی سرمایه و خواست کارگران

اول ماه

شرایط و نظام بردگی کار مزدی است. اول ماه، در ۱۱۹ سال تاریخ خویش در مصاف با جنگها، در مصاف با تفرقه ها و تبعیض های ملی و مذهبی و نژادی و جنسی، یادآوری و سمبلی برای تلاش انسانها در ساختن دنیایی متفاوت بوده است.

در آستانه اول ماه، روز جهانی کارگر در ایران سال ۱۳۸۴، ما شاهد تداوم تعرض جمهوری اسلامی به ذره ذره از نشانه های انسانیت و شایستگیهای بشر هستیم. جامعه ای ۷۰ میلیونی آماج کثیف ترین آرا و افکار مذهبی و خرافی،

تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ صبح تهران مجددا پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: <http://www.hekmatist.com/parto/>

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید

بقیه ادعا نامه

آزمینه حکم صادر میکرد!

آزمینه سنگسار شد، چون عدم دخالت در زندگی خصوصی مردم و بویژه زنان قانون رسمی کشور نیست!

آزمینه سنگسار شد، چون قوانین اسلامی در افغانستان حاکمند، ولو اینکه تلطیف شده باشند، ولو اینکه برای روز مبدا آنها را حفظ کرده باشند!

آزمینه سنگسار شد، چون پروسه تغییر نظام سیاسی و پایین کشیدن اسلامیهای تروریست و طالبان، همزمان با پروسه قدرتگیری چپ، سکولاریسم، مدنیت و قانون آزادی و برابری مردم نبود!

آزمینه سنگسار شد، چون در منطقه خاورمیانه برای چرخیدن چرخهای سرمایه از قبل کارگر ارزان، به این سطح از بی حقوقی، بی حرمتی، عدم اختیار و پایمال شدن حقوق انسانی، به این سقف سرکوب محتاجند!

آمریکا و مدافعینش خواهان

محمد یوسف، سنگسار شده است. مردی که ادعا میشود با آزمینه رابطه داشته است پس از زدن ۱۰۰ ضربه شلاق به وی، آزاد شده است. آزمینه که به مدت ۵ سال در ایران زندگی میکرد است، از شوهرش تقاضای طلاق نموده بود. در افغانستان هم مانند ایران، زنان از حق طلاق برخوردار نیستند. مسافرت زنان با اجازه همسر و یا پدر صورت میگیرد. آزمینه قربانی قوانین اسلامی شد!

آزمینه سنگسار شد، چون قانون سنگسار در افغانستان ملغی اعلام نشده است. هنوز با وجود اینکه نزدیک یک هفته از این جنایت میگذرد، مقامات قضایی دولت افغانستان از "غیر قانونی" بودن سنگسار حرف نمیزنند، آنها میگویند ملا محمد یوسف، حق نداشت به تنهایی این حکم را صادر کند. دادگاه میباید علیه

سایر قوانین اسلامی در افغانستان، ایران و کلیه کشورهای گرفتار آمده در جنگال اسلام سیاسی هستیم. ما خواهان فوری شناسایی و معرفی عاملین این جنایت در افغانستان و محاکمه آنها هستیم. ما این کمپین اعتراضی را به پیش میبریم، در عین حال گفته و تکرار میکنیم که سرنوشت اسلام سیاسی و سنگسار، قصاص و اعدام و... در ایران تعیین میشود! ما حکمتیستها اعلام کرده ایم که تا این دژ سیاه اسلامی در راس آن، تماما درهم کوبیده نشود، مردم ایران و منطقه به پیروزی نرسیده اند. حقانیت سیاست ما در رسوا کردن سلطنت طلبان و طرفداران رفراوند هر چه بیشتر به نمایش گذاشته میشود، آنها همیشه مدل عراق و افغانستان را به عنوان الگوی پیروزی جلو مردم میگذارند. این پیروزی نیست! ما حق مردم ایران را ملغی نشدن و جان بدر بردن سنگسار و

ما میگوییم تنها و فقط با تحقق این تصویر، مردم ایران خواهند توانست به عنوان فرمان پیروزی قیام، الغاء سنگسار، اعدام و کلیه مجازاتهای خشونت بار اسلامی را به عنوان قانون کشور و به عنوان مفاد منشور حقوق انسانی در منطقه اعلام کنند و به کرسی بنشانند!



از صفحه ۱

زندگیشان، از بیحقوقی زن، از بیکاری، از نبود آزادی و رفاه بیزارند و جمهوری اسلامی بانی و مسبب این زندگی سیاه است. مهم نیست در راس آن ولی فقیه یا فلان آخوند خندان یا مرد آهنین یا احیانا زن محجبه مسلمانی که سمبل بیحقوقی و تحقیر زن نشسته است. همه میدانند که مردم در این انتخابات شرکت نمیکنند.

اما این کافی نیست. این انتخابات به هر شکلی و بدون دردسر برگزار شود برنده ای جز رژیم ندارد. مهم نیست کدام کاندید از صندوق رای سر در می آورد، مهم نیست میزان شرکت مردم در آن چه اندازه خواهد بود. مهم این است رژیم نتواند این

کار نیست. برنامه و پروژه مشترک همه کاندیداها کشاندن مردم به پای صندوق های رای است. همه این بازی های انتخاباتی برای بردن مردم پای صندوق های رای و کشاندن آنها به صحنه انتخابات است.

بازار انتخابات به حق کساد است و همین مسئله مایه نگرانی ولی فقیه و کاندیداها شده. برای مردم تفاوتی بین رفسنجانی و کروبی و معین و قالیباف نیست. همه اینها نمایندگان و سران رژیم هستند که جز فقر و فلاکت و استبداد

چیز دیگری برای مردم به ارمغان نیاورده اند. مردم از فقر، از دخالت مذهب در

انتخابات را بدون در دسر و در سکوت از سر بگذرانند. کدام انتخابات، با کدام آزادی و با کدام حداقل حقوق انسانی مردم؟ همین چند روز پیش دو جوان به اتهام ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم و رقص در ملاعام، در دادگاه محکوم شدند در محل وقوع جرم (یعنی محل رقص) شلاق خوردند. باید کمپین انتخاباتی را به کمپین ضد انتخابات تبدیل کرد. در مقابل ستادهای انتخاباتی باید ستاد های جمع کردن بساط انتخابات را تشکیل داد.

هر انتخاباتی از طرف رژیمی که فقط با اتکا به سرکوب و ترور و زندان و بیحقوقی سر پا ایستاده پوچ است. انتخاباتی که مردم را در اوج بیحقوقی پای انتخاب بین چند عنصر مرتجع میبرند، مضحکه است. هر انتخاباتی با وجود این رژیم مردود است، قبول نیست. مردم آنرا قبول نمیکنند. مردم پای چنین انتخاباتی نمیروند. انتخاباتی که سمبل بیحقوقی و تحقیر آنها است. در مملکتی که زن در آن حرمتی ندارد، کارگش را به جرم دفاع از حقوقش محاکمه میکنند، جوان بودن جرم است و فعالیت احزاب ممنوع است حرف از انتخابات مسخره است. در مملکتی که سایه سیاه و شوم حزب الله و سپاه و شبکه مساجد بر زندگی مردم سنگینی میکند نام انتخابات بر این مضحکه توهین به مردم است. مردم مدتها است انتخاب خود را کرده اند. انتخاب مردم رفتن



www.koorosh-modaresi.com

www.marxhekmatsociety.com

به سازمان جوانان کمونیسیت - حکمتیست به پیوندید!



هفته منصور حکمت

در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پر بار*

این نوشته در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) در نشریه انترناسیونال منتشر شد

کوروش مدرسی



koorosh@gmail.com

سال ۲۰۰۳ هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۵ خرداد) در آن قرار میگیرد هفته منصور حکمت اعلام شد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پر بار منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که خود را متعلق به سنت تئوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا آنطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدال دائم است و شناساندن منصور حکمت بخش لاینجزای این تلاش است.

اما هفته منصور حکمت این امکان را بوجود می آورد که یک فعالیت متمرکز برای معرفی منصور حکمت را دامن بزنیم.

هفته منصور حکمت تنها جلسات بزرگداشت نیست. هفته منصور حکمت یک آکسیون سیاسی، به معنای متعارف آن هم نیست. هفته ای است که طی آن مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود.

هفته منصور حکمت در سالروز تولد او تلاشی است برای بحرکت در آودن جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانیهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن بپیوندند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن هویت انسانی به این انقلاب

در بزرگداشت یک زندگی پر بار هفته منصور حکمت

۱۴-۲۲ خرداد ۱۳۴۸ (۴ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵)

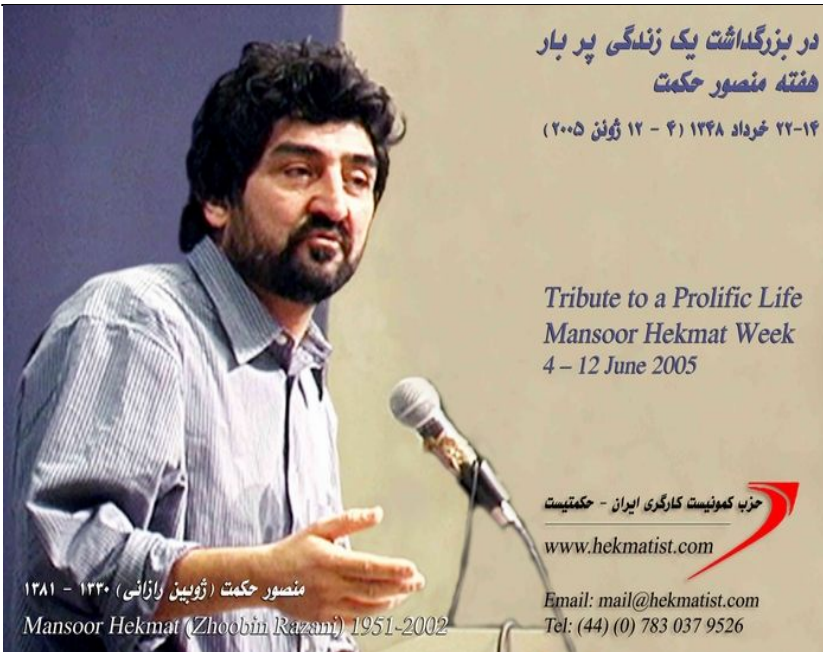
Tribute to a Prolific Life
Mansoor Hekmat Week
4 - 12 June 2005

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.hekmatist.com

Email: mail@hekmatist.com

Tel: (44) (0) 783 037 9526



منصور حکمت (ژوبین رازانی) ۱۳۲۰ - ۱۳۸۱

Mansoor Hekmat (Zhoobin Razani) 1951-2002

داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس، کمونیسم و منصور حکمت، تن ندادن به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و ابتکار مابجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم.

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. محدود به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادپخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میداند.

هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دوستداران حزب و

دوستداران منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند و دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت بپیوندند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا خارج، در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستید میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود برای بنیاد منصور حکمت کاری کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای از او را بازتکثیر کرد و به دست دیگران رساند. میشود در مورد ایده های او در مورد مسئله پناهندگان، در مورد رهائی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت

**کمونیست
را تکثیر
و پخش
کنید!**

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!